

The Economic and Commercial Investment Privileges of Non- Oil Products in the Countries of South Africa from the Perspective of International Law

Sara Rostami ^{1*}

1. Assistant Professor and Faculty Member of the Department of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 131-148

Article history:

Received: 23 May 2024

Edition: 31 Jul 2024

Accepted: 28 Sep 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Investment, Expropriation, Capital Transfer, African Continent.

Corresponding Author:

Sara Rostami

Address:

Iran, Tehran, Payam Noor University, Department of Law and Social Sciences.

Orchid Code:

0000-0003-0672-3616

Tel:

09353919437

Email:

Dr.Rostami@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The issue of economic growth in Third World countries is of great importance. For this reason, Third World countries choose foreign investment as a solution to overcome their problems. The country of Africa has countless resources and it now has become an investment hub. By investing in Africa, Iran benefits from the investment advantage due to sanctions and the use of rich resources. The purpose of this research is to analyze Iran's non- oil investment in Africa according to international law.

Materials and Methods: The present study is of a theoretical nature and its method is descriptive and analytical. Data collection method is library tool.

Ethical Considerations: In all stages of writing this article, the principles of text originality, honesty and trustworthiness have been observed.

Findings: The findings indicate that foreign investment has an advantage for Iran, because huge economic resources along with sanctions on Iran, have been effective steps towards advancing the country's goals.

Results: Iran's investment in the African continent requires legal guarantees such as expropriation, capital transfer, legal security and insurance coverage.

Cite this article as:

Rostami, S. *The Economic and Commercial Investment Privileges of Non- Oil Products in the Countries of South Africa from the Perspective of International Law.* Economic Jurisprudence Studies. 2024.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

امتیازات سرمایه‌گذاری اقتصادی و بازرگانی (فرآورده‌های غیرنفتی) در کشورهای آفریقای جنوبی از منظر حقوق بین‌الملل

سارا رستمی^{۱*}

۱. استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: مسئله رشد اقتصادی در کشورهای جهان سوم دارای اهمیت بسزایی است؛ به همین منظور کشورهای جهان سوم، سرمایه‌گذاری خارجی را به منظور برون رفت از مشکلات انتخاب می‌کنند. کشور آفریقا دارای منابع بی‌شماری است که در حال حاضر تبدیل به قطب سرمایه‌گذاری شده است. کشور ایران با سرمایه‌گذاری در آفریقا از مزیت سرمایه‌گذاری به دلیل تحریم‌ها و استفاده از منابع غنی بهره‌مند می‌گردد. هدف این پژوهش تحلیل سرمایه‌گذاری غیرنفتی ایران در آفریقا با توجه به حقوق بین‌الملل است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز بصورت کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که سرمایه‌گذاری خارجی برای ایران دارای مزیت است، زیرا منافع اقتصادی فراوان همراه با تحریم‌های ایران گامی موثر در جهت پیشبرد اهداف کشور است.

نتیجه: سرمایه‌گذاری ایران در قاره آفریقا از نظر حقوقی نیازمند تضمیناتی مانند سلب مالکیت، انتقال سرمایه، امنیت حقوقی و پوشش بیمه‌ای است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۱-۱۴۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

سرمایه‌گذاری، سلب مالکیت، انتقال سرمایه، قاره آفریقا.

نویسنده مسئول:

سارا رستمی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، گروه حقوق و علوم اجتماعی.

تلفن:

09353919437

کد ارکید:

0000-0003-0672-3616

پست الکترونیک:

Dr.Rostami@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

به منظور انجام این پژوهش منابع موجود بررسی شد و با توجه به اینکه موضوع سرمایه‌گذاری در آفریقا، موضوع جدیدی است منابع نزدیک به موضوع در این زمینه یافت شد.

کتابی تحت عنوان «سرمایه‌گذاری خارجی معادن: مطالعه موردی استرالیا، آفریقای جنوبی و کلمبیا» نگارش شده توسط رویدر در سال ۱۴۰۲ است که این کتاب بررسی مقایسه‌ای بین کشورهای استرالیا، آفریقای جنوبی و کلمبیا داشته است و صرفاً معادن را مورد نظر پژوهش قرار داده است؛ اما در این پژوهش سرمایه‌گذاری در کلیه منابع آفریقا توسط کشور ایران مورد نظر است.

و در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «اثر توسعه مالی در تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی بر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا» نگارش شده توسط دانش‌نیا و منصوری در سال ۱۳۹۵ است که این مقاله ۱۹ کشور منطقه منا در دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ را بررسی می‌کند و بیان می‌کند که رشد اقتصادی در این کشورها مثبت بوده است.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز بصورت کتابخانه‌ای است.

۴. یافته‌ها:

یافته‌ها حاکی از این است سرمایه‌گذاری در آفریقا به دلیل دارا بودن منابع غنی اهمیت بسیاری دارد و کشورها به دنبال سرمایه‌گذاری در این قاره

کشورهای قاره آفریقا عضو گروه بریکس بوده و بازیگران مهم در این قاره محسوب می‌شوند و حضوری فعال در اکثر سازمان‌های مهم بین‌المللی دارند. قاره آفریقا دارای بخشی از غنی‌ترین معادن و منابع جهان است؛ اما این قاره به درازای چند قرن، بلای استعمار و فقر را تحمل کرده است. ولی حالا شرایط برای بسیاری از کشورهای قاره سیاه تغییر یافته و اینک تبدیل به میدانی برای سرمایه‌گذاری رقبای بزرگ جهانی شده است.

در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، چند کنشگر اقتصادی جهان و منطقه در کشورهای آفریقایی اقدام به فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری کردند. پرسشی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که چرا کشورهای آفریقایی جنوبی با امتیازات و پتانسیل‌هایی که دارند، مقصد اصلی برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفته نمی‌شود؟

فرضیه‌ای که برای این سؤال می‌توان مطرح کرد این است که با عنایت به اینکه ایران همواره مورد تحریم قرار می‌گیرد و سرمایه‌گذاری‌ها با چالش روبرو می‌شود، بهتر است کشورهایی همچون آفریقای جنوبی را مقصدی برای این امر مهم و اقتصادی در نظر گرفت.

نوآوری بحث در این است که قاره پهن و گسترده آفریقا و خصوصاً کشورهای آفریقایی جنوبی با توجه به پیشرفتی که داشتند، نیازمند محصولات و تجارت با دیگر کشورها جهت اعتلای اقتصادی و سرمایه‌گذاری خود می‌باشند و بهتر است این زمینه و بستر را با رایزنی اقتصادی در کشورهای مقصد فراهم آوریم تا بتوانیم از پتانسیل‌ها و با تنوع محصولات صادراتی جایگاه خوبی برای کشورمان ایران بدست آوریم.

هستند و برای سرمایه‌گذاری ایران در آفریقا، با توجه به حقوق بین‌الملل می‌توان تضمیناتی را در دستور کار قرار داد و سرمایه‌گذاری در این کشور را اولویت قرار داد.

۵. بحث

۵-۱. قابلیت‌های سرمایه‌گذاری در آفریقا

حداقل ده کشور از قاره آفریقا از جمله لیبی، سودان، گابن، نیجریه، آنگولا و الجزایر، از جمله کشورهای هستند که نفت را صادر می‌کنند. (حیدرپور دعوی‌سرا، ۱۳۸۸: ۱۴۱)

صندوق بین‌المللی پول تولید ناخالص داخلی قاره آفریقا در سال ۲۰۰۷م را بر اساس قدرت خرید مردم تقریباً ۲۵۷۲ میلیارد دلار تخمین زده است. (روچا، ۲۰۰۷: ۲۶)

شایسته ذکر می‌باشد که ثروت قاره آفریقا بیشتر از آمار و ارقام مذکور بوده و تجارت غیر رسمی در قاره مذکور تقریباً یک سوم از تجارت قانونی آن را شامل می‌شود. میزان صادرات و واردات این قاره نمودار میزان قابلیت این قاره در جذب و صدور تولیدات نفتی، غذایی، بهداشتی، پوشاک، فنی، کشاورزی، صنعتی و کانی می‌باشد. «کارشناسان مقدار نقل و انتقال غیرقانونی اقتصادی در قاره آفریقا را تقریباً معادل ۱۰۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. تنها میزان درآمد ناخالص تجارت غیر قانونی چندین برابر درآمد ناخالص ملی آفریقای زیر صحر را شامل می‌شود.» (آجای، ۲۰۰۶: ۱۱)

برای بررسی حجم و نوع «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)» در آفریقا بهتر است نگاهی به گزارش «کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد» یا همان «آنکتاد (UNCTAD)» داشته باشیم که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به قاره و مناطق فرعی آفریقا را بین سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۱ میلادی (۱۳۹۹-۱۴۰۰) مورد

واکاوی قرار داده است. بر پایه این گزارش، جریان سرمایه‌گذاری به آفریقا در سال ۲۰۲۱ (۱۴۰۰) رکورد ۸۳ میلیارد دلاری ثبت کرد، پس از سقوطی که در سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) به دلیل همه‌گیری کووید-۱۹ اتفاق افتاده بود؛ بنابراین سرمایه‌گذاری خارجی به آفریقا بیش از دو برابر رشد کرد.

جریان سرمایه‌گذاری به موزامبیک با رشد ۶۸ درصدی به ۵.۱ میلیارد دلار رسید. این کشور شاهد جهش در پروژه‌های گرین فیلد بود. در همین حال، جریان سرمایه‌گذاری به زامبیا منفی ۴۵۷ میلیون دلار بود که کاهش شدیدی نسبت به سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) داشت که بیشتر به دلیل واگذاری ۱.۵ میلیارد دلاری معدن مس توسط شرکت «گلنکور» سوئیس به یک شرکت دولتی بود.

غرب آفریقا شاهد افزایش ۴۸ درصدی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ۱۴ میلیارد دلار بود. نیجریه، بزرگترین دریافت کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در غرب آفریقا، شاهد دو برابر شدن جریان سرمایه‌گذاری به سمت خود بود که این رقم به ۴.۸ میلیارد دلار رسید. این روند رو به رشد به افزایش مجدد سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفت و گاز ارتباط می‌یافت؛ بنابراین برآوردها نشان می‌دهد هزینه‌های سالانه سازگاری با آب و هوا در کشورهای در حال توسعه می‌تواند در سال ۲۰۳۰ (۱۴۰۹) به ۳۰۰ میلیارد دلار و تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۲۸) به ۵۰۰ میلیارد دلار برسد؛ بنابراین ابتکارها برای کاهش تغییرهای اقلیمی و سازگاری از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور عمده بر بخش‌های انرژی تجدیدپذیر و برق متمرکز است. (سایت ایرنا، ۱۴۰۲)

در حال حاضر، انرژی به اساسی‌ترین عامل رشد اقتصادی کشورها مبدل گردیده؛ بنابراین دو کشور چین و هند که غول‌های اقتصادی دنیا هستند

همواره عمده‌ترین دلیل منازعات و درگیری بوده، جایگزین جنگ ایدئولوژیک در آفریقا گردیده است. در این بین، بعضی از کشورها و شرکت‌ها در صدد بهره‌برداری از فضایی برآمدند که بدنبال ایجاد بازار سرمایه و مواد اولیه در قاره آفریقا شکل گرفته بود و با برنامه‌ریزی نیروی کار ماهر و صرفنظر از مداخله‌ی مسائل عاطفی به قاره سیاه ورود پیدا کردند. (حاجی مینه و وزین، ۱۳۹۸: ۷۱)

تا بحال توسعه روابط بوسیله مساعدت‌های اقتصادی رویکردی بوده که سیاست خارجی ایران در برابر آفریقا در پیش گرفته است. نیاز قاره آفریقا به مساعدت‌های مالی و اقتصادی نایستی صرفاً مشوقی جهت افزایش روابط باشد؛ هرچند که این نکته نایستی به مفهوم نفی همه جانبه لزوم اعطای بعضی از مساعدت‌های بشردوستانه قلمداد گردد. کشور ما بایستی در قاره آفریقا در صدد ایجاد نوعی مشارکت اقتصادی برآید؛ به نحوی که این مشارکت با وجود سودمندی برای ایران، تسریع کننده روند توسعه‌ی اقتصادی در جوامع آفریقایی هم باشد. (کناره، ۱۳۸۶: ۲۷۷)

ایران می تواند ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی در رابطه با اقتصاد که فرمولهای علمی روز را بکار می‌گیرد تابع الگوهای رایج جهانی باشد؛ الگوهایی که در امر تجارت و اقتصاد بازده مثبتی از خویش بر جای باقی گذاشته است. اقدامات تجاری و اقتصادی دو کشور چین و هند در آفریقا الگوی خوبی برای کشور ماست تا مشارکت‌های تجاری و اقتصادی در آفریقا بعد از بررسی همه جانبه و بررسی سود و زیان، برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت، به قاره‌ی آفریقا ورود یابد (چیداوشه ۱۳۸۵: ۲۰۰۷). با توجه به اینکه کشور ما تا بحال در قاره آفریقا استعمار و استثمار صورت نداده، لذا

جهت رشد اقتصادی خود به انرژی گاز و نفت، به منزله‌ی آب حیات می‌نگرند. علاوه بر این، آمریکا و اروپا به عنوان شرکای سنتی آفریقا نیز شدیداً بدنبال سلطه یافتن بر روی انرژی این قاره می‌باشند. (مهاجر، ۱۳۸۳: ۹) آخرین اطلاعات در خصوص ذخایر نفتی دنیا حاکی از آنست که «۹/۴ درصد از ذخایر نفتی دنیا در قاره آفریقا وجود داشته و آفریقایی زیر خط صحرا ۱۵ درصد از میزان نفت مورد نیاز کشور آمریکا را فراهم می‌نموده است.» (اونجالا، ۲۰۰۸: ۴۱)

۵-۲. جایگاه آفریقا در سیاست خارجی ایران

سیاست خارجی کشور ما اهمیت بسیار زیادی برای نقش بین‌المللی قاره آفریقا قائل شده است؛ چراکه صرفنظر از عضویت همه‌ی کشورهای این قاره در سازمان ملل، بسیاری از آنها در جنبش عدم تعهد کنفرانس اسلامی، بعضی در اوپک و سایر نهادهای تأثیرگذار بین‌المللی حضور دارند. لیکن چیزی که عملاً بوقوع پیوسته است و با امعان نظر به آمار و ارقام مناسبات تجاری و اقتصادی در سیاست خارجی ایران، قاره‌ی آفریقا هیچ جایگاهی ندارد؛ این در حالیست که اضمحلال نظام کمونیسم راه را جهت گسترش روابط با آفریقا برای کشورهای بسیاری هموار کرده بود و ایران هم قادر به استفاده از چنین موقعیتی بود. (بخشی، ۱۳۸۱: ۳)

ولی در حال حاضر با عنایت به سخنان مقام معظم رهبری، صحبت از سرمایه‌گذاری در کشورهای آفریقایی پیش آمده است. با وجود اینکه با سقوط شوروی و تمام شدن دوران جنگ سرد، منازعات ایدئولوژیکی سرمایه‌داری و کمونیستی هم در قاره آفریقا خاتمه پیدا کرد؛ اما کماکان رقابت‌های اقتصادی و تلاش در راستای سلطه‌جویی بر روی منابع انرژی توسط قدرت‌های بزرگ وجود دارد. (انوشه، ۱۳۸۵: ۹) انرژی که در صد سال گذشته

از ایرانیان هیچ تصور منفی در ذهن آفریقایی‌ها وجود ندارد.

۵-۳. فعالیت‌های کشورهای آفریقایی جهت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

آفریقا به کمک مزایای اخیرالذکر در دوران‌هایی از عمر کوتاه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی اثر در صدد آن برآمده که با در پیش گرفتن تدابیر و سیاست‌هایی جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی را افزایش دهد و بدینوسیله رشد و توسعه‌ی اقتصاد خود را سرعت بخشد؛ اما بعضی مسائل جانبی سبب موفق نشدن کشورهای آفریقایی در جذب هر چه بیشتر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و کاهش سرعت رشد اقتصادی آنها گردیده‌اند.

بعضی از اقدامات دولت‌های آفریقایی در راستای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شرح زیر عبارتست از:

الف) سوق یافتن به سوی اقتصاد آزاد: در قاره آفریقا و در ادوار گذشته سیاست‌هایی اخذ گردیده بود که به عقیده بسیاری به عنوان موانعی بر سر راه تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد به شمار می‌رفتند. در حال حاضر کشورهای آفریقایی برآنند که با رفع این قبیل موانع، حرکت خود را به سوی اقتصاد آزاد شتاب بیشتری بخشند. از این‌رو در حال حاضر آفریقا بر سیستم اعطاء مجوزهای صادرات و واردات، نرخ ارز و اعمال محدودیت در رابطه با بازگشت سرمایه به کشور مبدأ هیچ کنترلی ندارد. ایضاً قاره آفریقا در صدد آنست که از طریق جذب سرمایه‌گذاری‌هایی که در عرصه‌های آموزش، بهداشت و سلامت و زیر ساخت‌های توسعه‌ای از قبیل راه و ارتباطات صورت می‌گیرند و نیز بوسیله مقابله هر چه بیشتر با رشوه خواری و فساد اداری و همچنین تقویت حاکمیت مطلوب، شرایط را در

کشور به منظور پرداختن به امور اقتصادی و ایجاد بستر مناسب جهت حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بهبود بخشد. (لویز، ۲۰۱۰: ۵۲۳)

ب) ایجاد سرمایه‌گذاری مطلوب بخش خصوصی: سیاست‌های قاره آفریقا در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی، بر اساس جایگزین سازی واردات با سرمایه‌گذاری خارجی، سبب گردیده تا سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بسیاری در کشورهای این منطقه استقرار یابند و استقرار مطلوب بخش خصوصی باعث نزدیکی اقتصاد قاره آفریقا به اقتصاد بازار رقابتی شده است. جذب سرمایه‌گذاری‌های قابل قبولی در عرصه‌های مربوط به صنایع ارتباطات، گردشگری و غذایی که هم بازار داخلی و هم بازار کشورهای همسایه را پوشش دهند، موفق شده بخش خصوصی خود قاره آفریقا را هم تقویت بخشد. همچنین اخیراً سرمایه‌گذاری‌های خوبی در صنایع نساجی آفریقا انجام پذیرفته که با عنایت به معافیت‌های گمرکی، مقصد اصلی بازار صادرات آن، کشورهای آمریکایی و اروپایی می‌باشد.

ج) گرویدن به مشارکت‌های اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تقویت بخشیدن آنها: آفریقا به کمک نقش راهبردی که در منطقه دارد موفق به انعقاد قراردادهای تجاری با کشورهای منطقه خود شده است که در بخش قبلی بعضی از آنها مورد اشاره قرار گرفت. لیکن مضاف بر آنها می‌بایست از بعضی دیگر از قراردادهای منعقد شده در قاره آفریقا نیز یاد نمود؛ برای مثال پیمان حمایت و رشد آفریقا با آمریکا، به عضویت درآمدن در سازمان تجارت جهانی از سال ۱۹۹۵، قرارداد کاهش تعرفه واردات از قاره آفریقا با اتحادیه اروپا و نیز قراردادهای تجاری دوجانبه به منظور آسان‌سازی تجارت با

بیش از ۲۷ کشور دیگر. (بابکی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۴۴)

(د) تضمین صیانت از سرمایه‌گذاری: تأکید قانون اساسی کشورهای حوزه قاره آفریقا بر اصول مالکیت خصوصی و صیانت از آن است؛ از این‌رو قانونی در آفریقا تصویب گردیده که سرمایه‌گذاران خارجی را در مقابل تصرفات دولت‌های آفریقای محافظت می‌کند. ایضاً قاره آفریقا عضو آژانس تضمین سرمایه‌گذاری‌های چندجانبه که قسمتی از بانک جهانی محسوب می‌شود، شده است و سرمایه‌گذاران را در مقابل تغییرات سیاسی کشورهای میزبان مورد حمایت قرار می‌دهد. (هلبِر، ۲۰۰۷: ۳۸)

(ه) بهبود زیر ساخت‌ها: با وجود اینکه قاره آفریقا در قیاس با همسایگان خود و سایر کشورهای موجود در منطقه دارای زیر ساخت‌های اقتصادی مطلوب‌تری است لیکن کماکان در صدد آنست که ضمن بهبود بخشی به این زیرساخت‌ها بستر مناسب‌تری جهت فعالیت اقتصادی ایجاد کند. کوشش در راستای ایجاد خطوط راه آهن جدیدی مرکز کشور و کشورهای همجوار همچون سودان جنوبی را به بندر در حال احداث لامو وصل می‌کند از جمله این اقدامات به شمار می‌رود. همین‌طور ایجاد یک آزادراه جدید و نیز احداث خطوط نقل و انتقال نفت خام که با در نظر گرفتن استقلال سودان جنوبی از سودان شمالی ضرورت راهبردی و اقتصادی بسیار زیادی دارد. بایستی قاره آفریقا را به عنوان قطب صنعت ارتباطات قلمداد کرد. اتصال اخیر این قاره به شبکه فیبر نوری و راه‌اندازی مراکز آموزش رایانه‌ای و خدمات فناوری اطلاعات، آن را در قیاس با دیگر کشورهای حوزه قاره آفریقا در شرایطی مطلوب‌تری قرار داده است. (علی زاده، ۱۳۹۸: ۶۶)

(و) کوشش جهت حفظ ثبات سیاسی: با وجود اینکه قاره آفریقا دارای سابقه‌ی خوبی در خصوص مقابله با استعمار است و حتی اسم این کشور، مقتبس از جومو کینیا - اسم رهبر مبارزان قبیله‌ی کیکویو در دوران استعمار انگلیس - است و علیرغم ریخته شدن خون‌های بسیاری در راه استقلال قاره آفریقا لیکن کنیانا و همه‌ی رؤسای جمهور قاره آفریقا بعد از وی همیشه در تلاش بوده‌اند تا ضمن روی کار آوردن دولتی مقتدر و در پیش گرفتن رویکردی ملایم در مقابل جوامع غربی، شرایط کشور را به منظور مشارکت‌های اقتصادی و رها کردن کشور از فقر مفرط بهبود بخشند. در حقیقت آفریقا بدنبال حفظ ثبات سیاسی و اقتصادی خود می‌باشد. علاوه بر این، منافع اقتصادی جوامع اروپایی به گونه‌ای به قاره آفریقا گره خورده که در صورت وقوع بحرانی همچون بحران سال ۲۰۰۷ نیز کشورهای غربی از هر کوششی جهت بازگرداندن آرامش به قاره آفریقا استقبال می‌نمایند. (هلبِر، ۲۰۰۷: ۳۷)

همچنین از جمله سایر اقدامات قاره آفریقا به منظور حفظ ثبات سیاسی می‌توان به نظام سیاسی چند حزبی و تصویب قانون اساسی جدید اشاره کرد. با این حال، نزدیکی قاره آفریقا به مراکز بحران‌زده‌ای همچون سودان جنوبی، اتیوپی و سومالی همیشه تهدیدی بر سر راه سرمایه‌گذاری اقتصادی در این قاره به شمار رفته است. [۲] می‌توان بیان کرد که؛ نایبستی از این مطلب که بعضی از این ناآرامی‌های منطقه‌ای ممکن است دربردارنده‌ی فرصت‌های خوبی برای آفریقا باشد نیز چشم پوشی کرد. مثلاً تلاش قاره آفریقا جهت ساخت خط لوله نفت خام و یک بزرگراه به منظور اتصال سودان جنوبی به دریاهای آزاد که به دلیل جدائی آن از سودان شمالی و وجود درگیری بین آن دو در منطقه ضرورت پیدا کرده، ممکن است

فرصت‌های مطلوبی برای اقتصاد قاره آفریقا را در پی داشته باشد.

۵-۴. ارزیابی تأثیر سیاست‌ها و اقدامات

با وجود اینکه مجموعه سیاست‌های اتخاذی جهت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این قاره مزایا و منافع بسیار زیادی را برای آفریقا بوجود آورده، ولی عواملی نیز هستند که سبب بی‌تأثیر شدن این اقدامات در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و یا تأثیر نداشتن سرمایه‌گذاری در رشد و توسعه اقتصادی قاره آفریقا گردیده‌اند؛ که در ادامه به تفکیک به شرح و بررسی هر یک از این عوامل پرداخته‌ایم:

۵-۴-۱. عوامل بازدارنده در جذب سرمایه‌گذاری خارجی

الف) مقایسه وجود ناامنی در آفریقا با کشورهای فرا منطقه‌ای: با وجود اینکه کشورهای حوزه‌ی آفریقا موفق به تأمین امنیت نسبی خود شده‌اند لیکن همچنان در مقایسه با کشورهای رقیب همچون کشورهای آسیای شرقی، دارای امنیت پایین‌تری هستند. در گزارشی که در سال ۲۰۰۴ توسط بانک جهانی درباره قاره آفریقا ارائه گردیده، بالغ بر ۷۰٪ از سرمایه‌گذاران، نقش فساد اداری و هزینه‌های تأمین مالی را در شمول عوامل مؤثر در انتخاب کشوری جهت انجام سرمایه‌گذاری معرفی نموده‌اند. این در حالیست که تقریباً ۷۰٪ نیز ناامنی، وقوع سرقت و جرایمی از این قبیل را به عنوان عمده‌ترین عامل برشمرده‌اند. [۲]

در اینجا می‌توان سه عامل تأثیرگذار بر این معضل را مورد اشاره قرار دارد که عبارتند از: (۱) عوامل فرهنگی و نهادی. احساس سرخوردگی در نتیجه سالیان سال استعمار و به بردگی کشیدن سبب گردیده که سرقت و رشوه‌خواری از اتباع خارجی

تبدیل به جزئی از فرهنگ قاره آفریقا و مردمان آن گردد. (۲) عامل فقر مفرط. فقری که بالغ بر نیمی از مردم این قاره را شامل شده است. (۳) بروز بحران‌های منطقه‌ای همچون بحران سومالی و اتیوپی که سایه‌ی خویش را بر سر قاره آفریقا که همسایه‌ی جنوبی‌شان است پهن کرده‌اند. (شکیبا، ۱۳۸۳: ۵۹)

با این حال، قاره آفریقا در چند سال اخیر کوشش‌های بسیاری به منظور کاهش میزان جرایم، رفع موانع اداری و از بین بردن فساد اداری از بدنه خدمات عمومی کشورها و تأمین امنیت در مراکز اداری و تجاری، صورت داده است ولی شاید بتوان به جرأت چنین بیان داشت که تا زمانی که سهم بدنه‌ی جامعه از درآمدهای بدست آمده از این فعالیت‌های اقتصادی تا این اندازه بالا بوده و بیشتر مردم از فقر مفرط در رنج و عذابند، این اقدامات هم دربردارنده‌ی نتیجه‌ی قابل ملاحظه‌ای نخواهند بود. (نگوگی، ۲۰۰۵: ۹۶)

ب) کمبود منابع طبیعی: با وجود اینکه اقتصاد قاره آفریقا از وجود منابع طبیعی در کشورهای همسایه منافع بسیاری کسب می‌کند ولی خود از منابع غنی چندانی در حوزه ذخائر طبیعی بهره‌مند نمی‌شود. در قیاس با کشورهای همسایه، معادن این قاره ذخائر چندان زیادی ندارند. با این حال تجارت معادن غنی شرق کنگو و نیز کشورهای رواندا، اوگاندا و بروندي توسط کشور کنیا انجام می‌گیرد. ایضاً نفت سودان جنوبی که به تازگی از سودان شمالی استقلال یافته و منابع نفتی که به تازگی در اوگاندا کشف شده‌اند، تماماً بوسیله کشور کنیا به دریا‌های آزاد مرتبط و متصل خواهند گشت. بدین ترتیب آفریقا در مقایسه با کشورهای همسایه‌ی خود اقبال پایین‌تری جهت جذب سرمایه‌گذاری‌ها

در حوزه‌های مربوط به مواد خام دارد. (نگوگی و اوون، ۲۰۰۵: ۵۴)

ج) ضعف زیر ساخت‌ها: علیرغم اینکه قاره مزبور به لحاظ زیر ساخت‌های اقتصادی از جمله راه و ارتباطات قطب اصلی منطقه خود محسوب می‌شود ولیکن در این خصوص کماکان نسبت به رقباى فرا منطقه‌ای خویش عقب‌تر است (رضوی‌پور، ۱۳۹۰: ۸۸). بدین ترتیب اخیراً قاره آفریقا سرمایه‌گذاری‌های بزرگی به منظور تقویت این بخش جذب کرده و در تلاش است که ضمن احداث جاده‌ها و بنادر و خطوط جدید راه آهن، عقب ماندگی‌اش را در این زمینه جبران کند. چنانچه قاره‌ی آفریقا در این عرصه بصورت موفقیت آمیز عمل کند می‌تواند منافع افزون‌تری را از جانب ترانزیت کالا و ارائه خدمات تجاری به خود اختصاص بدهد. با امان‌نظر به این کوشش‌ها، چشم انداز آینده‌ی این قاره از حیث زیر ساخت‌های اقتصادی، به نظر چشم اندازی روشن و رو به رشد است.

۵-۴-۲. عوامل بازدارنده تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر روی رشد اقتصادی

با اینکه به باور مؤلف قاره آفریقا بنا به ادله‌ی سابق‌الذکر توفیق چندانی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کسب نکرده؛ اما عقیده مؤلف بر اینست که همان میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که در این قاره جذب گردیده نیز نتوانسته با تخصیص مناسب، کمک قابل ملاحظه‌ای به رفع فقر و افزایش میزان انباشت ثروت در آفریقا کند. در ادامه می‌توان مختصراً به چند دلیل قابل ذکر در این زمینه اشاره نمود:

الف- فساد اداری: همانگونه که سابق بر این شرح داده شد، فساد اداری یکی از مشکلات اقتصادهای

کشورهای آفریقایی بوده و از جمله عمده‌ترین مشکلات این قاره نیز به شمار می‌رود. در اینجا منظور از فساد اداری اینست که چهره‌های سیاسی مؤثر در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، عوض اینکه در قبول و یا رد سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بالاخص بر منافع ملی و به تأثیر آن سرمایه‌گذاری بر روی قشر ضعیف جامعه متمرکز شوند، تمرکز خود را بر منافع شخصی، خانوادگی، حزبی و یا روابطشان با کشورهای حامیشان می‌گذارند. حاصل این وضعیت آنست که با وجود اینکه قوانین، در راستای افزایش ثروت در اقتصاد ملی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طراحی شده باشد، لیکن عملاً آنچه به اجرا در می‌آید همکاری افراد خاص و صاحب نفوذ در منافع ناشی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌باشد و چنین شرایطی هیچ نتیجه‌ای غیر از افزایش فاصله طبقاتی مفرط و شکننده در پی نخواهد داشت. گواه این ادعا وجود فقر مفرط بالای ۵۰٪ مردم در این قاره و شاخص ضریب جینی برابر ۴۲٪ در این کشور می‌باشد. البته گوناگونی قومیتی آفریقا و وجود اقلیت‌هایی همچون سفیدپوست‌ها و یا هندی تبارهای مقیم این قاره که معمولاً دارای سهم متفاوتی از دیگران در این قبیل فعالیت‌های اقتصادی هستند، خود موجب تشدید این فاصله طبقاتی می‌باشد. (عابدین مقامی، ۱۳۹۹: ۱۸)

ب) عدم گزینش در عرصه‌های سرمایه‌گذاری: فقر بیش از حد در آفریقا سبب گردیده که دولتهای مستقر در این قاره از هر نوع فعالیت اقتصادی که قادر به تأمین هزینه‌های این دولت باشد، استقبال نمایند. با عنایت به سهم سرمایه‌گذاری‌های خارجی از تمام امور اقتصادی که در قاره آفریقا صورت پذیرفته، پر واضح است که دولت‌های مستقر در این قاره در هر عرصه‌ای از هر نوع سرمایه‌گذاری

خارجی استقبال نمایند. این در حالی می‌باشد که اقتضای پیشرفت جومع در حال توسعه، برنامه‌ریزی و تخصیص بهینه منابع مالی برای توسعه متوازن می‌باشد. توسعه‌ی بخش‌های خدماتی در آفریقا گاه‌هاً بیشتر از توسعه‌ی زیر ساخت‌ها هدف قرار گرفته و این شرایط از طرف دولت رهبری نگردیده است، بلکه معمولاً سرمایه‌گذاران خارجی تعیین‌کننده این امر هستند که هدف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چه حوزه‌ای باشد. حتی در برنامه‌های اخیر توسعه زیرساخت، از جمله احداث راه آهن، بزرگراه و بندر به منظور اتصال لامو به سودان جنوبی، اختصاص وام بانک جهانی جهت مورد حمایت قرار دادن استقلال سودان جنوبی و نیز توصیه‌های مؤکد دولت آمریکا به روشنی قابل ملاحظه است. به منظور گواهی این مسئله می‌توان از سفر رئیس دولت خودمختار سودان جنوبی که اخیراً به اسرائیل داشت و نیز دیدار وی با سران اسرائیل به منظور تشکر از حمایت‌های همه جانبه این کشور یاد کرد. (رضایی، ۱۴۰۲: ۱۰۰)

ج) سهم اندک نیروی کار از منافع ناشی از سرمایه‌گذاری و فقدان نظام باز توزیع درآمد: همانگونه که شرح داده شد، سرمایه‌گذاری‌های انجام پذیرفته در آفریقا، معمولاً به گونه‌ای گزینش می‌گردند که اساسی‌ترین هدف آنها توسط سرمایه‌گذار و یا دول متبوع‌شان تعیین می‌گردد. از این‌رو این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها تأثیر توسعه‌ای چندانی برای قاره آفریقا در پی نداشته‌اند. از سویی، به نیروی کار نیز سهم چندانی از درآمدهای حاصل از این دست سرمایه‌گذاری‌ها تعلق نیافته است. مهمترین دلیل این موضوع را می‌بایست در ضعف فنی نیروی کار موجود در این قاره جستجو کرد. بیشتر عملیات‌های عمرانی در آفریقا بوسیله‌ی شرکت‌های خارجی صورت می‌پذیرد؛ مثلاً عملیات اجرائی بندر

لامو در حال تاسیس، بوسیله‌ی پیمانکاران چینی در حال انجام می‌باشد و حتی بعضی از اخبار گویای بکارگیری نیروی کار چینی در چنین پروژه‌هایی هستند. از سوی دیگر بالاترین سهم ناشی از چنین سرمایه‌گذاری‌هایی برای کشورهای آفریقایی، شامل منفعتی است که دولت در نتیجه انجام این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها کسب می‌کند و یا منافع غیرقانونی که بعضی از خواص در قالب رشوه و یا بدنبال فساد اداری دریافت می‌نمایند. لیکن هیچ نظم و نظامی جهت باز توزیع درآمدها وجود ندارد که قادر باشد از محل این منافع، دیگر اقشار جامعه را هم بهره‌مند کند. (ولی‌اللهی میری، ۱۴۰۱: ۵۹)

د) تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر روی مصرف زدگی و کاهش نرخ پس‌انداز: در پی داشتن نفوذ فرهنگی و به ویژه فرهنگ مصرفی، از جمله آثار و پیامدهای ناشی از حضور سرمایه‌گذاران خارجی تلقی می‌شود. جامعه فقرآلود آفریقایی که به منظور خروج از چرخه‌ی شیطانی فقر، به نرخ پس‌اندازی افزون‌تر از میزانی که در حال حاضر وجود دارد، نیازمند است، صدمه بسیار زیادی از طرف فرهنگ مصرف زده متأثر از حضور کالاها و شرکت‌های خارجی می‌بیند، زیرا وجود شرکت‌های چندملیتی معمولاً توأم با افزایش فرهنگ مصرفی بوده و موجب رشد و گسترش واردات می‌شوند. (زیرا اکثر این سرمایه‌گذاری‌ها بصورت عمودی بوده و در طول تجارت قرار دارند) (موسیلا و سیگو، ۲۰۰۶: ۵۸۰).

بنابراین به نظر نگارنده در نتیجه کاهش میزان پس انداز، سهم نیروی کار در قاره آفریقا از انباشت سرمایه جهت سرمایه‌گذاری مجدد در کشور کماکان پایین خواهد ماند و این امر به معنی آنست که آفریقا همیشه نیازمند انجام سرمایه‌گذاری‌های

خارجی به منظور تأمین نیازهای توسعه‌ای خود می‌باشد.

۵-۵. ایران به منزله یک کشور سرمایه‌گذار برای قاره آفریقا

ایران کشوری با اقتصاد در حال رشد و توسعه می‌باشد که به دلیل پیشرفت‌های فنی و علمی و خودباوری نسل جوانی که دارد، قادر شده تا به مرزهای دانش روز دنیا نزدیک گردیده و در بعضی از علوم به سطوح بالایی از علم و فناوری هم دست پیدا کند. رو به رشد بودن اقتصاد در کشور ما بیشتر از هر چیز دیگری مدیون این کوشش علمی و به روز کردن شیوه‌های کسب درآمد در حوزه‌های صنعت، خدمات و کشاورزی می‌باشد. وجود تحریم‌های همه‌جانبه و فشارهای اقتصادی، سبب حرکت سریع کشور به سوی خوداتکایی و کسب استقلال هرچه بیشتر گردیده و این موضوع طریق کسب پیشرفت‌ها را در آینده هموار کرده است.

با این حال، کشور ایران در مقایسه با غرب و یا حتی کشور چین، اقتصاد چندان بزرگی ندارد و قادر به ایفا کردن نقش یک جایگزین در معادلات اقتصاد جهانی برای آنها نیست. اما نوع قابلیت‌های فنی ایران به قدری می‌باشد که می‌تواند برای جوامع در حال توسعه خیلی سازنده و سودمند واقع شود. تجربه فنی کشور ما در حوزه‌ی صنایع راهبردی، علوم فنی، صنایع تبدیلی و صنعتی‌سازی کشاورزی، داروسازی و بهداشت و درمان، راه و ساختمان‌سازی، اکتشاف و استخراج معادن و حتی احداث نیروگاه‌های آبی دقیقاً همان چیزی است که یک کشور در حال توسعه همچون کشورهای آفریقایی نیازمند آن هستند. (سیدنورانی، ۱۳۷۴: ۶۹)

با مروری بر سرمایه‌گذاری‌های سایر کشورهای آفریقایی، به درستی مزیت ایران و یا هر کشور

دیگری در سطح ایران برای آفریقا نمایان می‌شود. همانگونه که در بخش پیشین شرح آن گذشت، سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در آفریقا از چند نظر برای این قاره مشکل‌ساز می‌باشند که ایران از این لحاظ قادر به ایفای نقش یک جایگزین و یا جبران‌کننده برای قاره آفریقا و جوامع آفریقایی نظیر آنست که در ادامه به تشریح این ابعاد پرداخته‌ایم؛

الف) سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های توسعه: همانطور که شرح داده شد، جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و کمک‌های مالی در قاره آفریقا توسط خود آفریقایی‌ها هدف‌گذاری نمی‌گردد بلکه این منافع کشورهای اعطا کننده شرکت‌های سرمایه‌گذار است که تعیین کننده اهداف سرمایه‌گذاری هاست. در این صورت برنامه‌ریزی جهت ساخت زیر ساخت‌های توسعه، می‌تواند فرصت خوبی برای این قاره محسوب گردد. جمهوری اسلامی قادر است به برنامه‌های توسعه‌ای منطقه‌ای برای سایر جوامع در حال توسعه کمک کرده و با سرمایه‌گذاری‌هایی که صورت می‌دهد علاوه بر بدست آوردن سود لازم و جذب منافع گوناگون، برای اقتصاد سایر جوامع در حال توسعه هم سودمند واقع گردد. (بابکی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۴۴)

ب) انتقال تجربیات مدیریتی و فنی: اختصاص مساعدت‌های مالی چه از طرف غرب و چه کشورهایی مانند چین، معمولاً به نحوی صورت می‌گیرد که همه‌ی نیروی کار ماهر به کار گرفته شده جهت اجرای پروژه، از کشور سرمایه‌گذار انتخاب می‌گردند. از این‌رو تجربیات فنی و مدیریتی کشور سرمایه‌گذار به کشور میزبان منتقل نمی‌شود. در نتیجه سرمایه‌گذاری‌های کشوری نظیر کشور ما که هیچ گرایشی نسبت به استعمار

نداشته و طالب رشد همه‌ی جوامع در حال توسعه بوده، می‌تواند اهمیت بسیار زیادی برای جوامع در حال توسعه در بر داشته باشد.

نگارنده با امعان نظر به این نکته که در سرتاسر قاره آفریقا فقط چهار دانشکده فنی وجود دارد؛ فلذا به لحاظ فنی شدیداً ضعیف است، کشور ایران می‌تواند با کمک به این قاره نقش تأثیرگذاری در پیشبرد دانش فنی در آن ایفا نماید. برعکس جوامع غربی، دیدگاه ایران نسبت به جوامع جهان سومی، دیدگاهی استعماری نبوده و قصد ضعیف باقی نگه‌داشتن کشورهای ضعیف را ندارد. بنابراین ایران قادر است با مساعدت‌های فنی خود به جوامع در حال توسعه، به اهداف فراملی خویش هم نزدیک‌تر گردیده و علاوه بر نائل آمدن به اهداف اقتصادی، همگرایی مطلوب‌تری بین جوامع در حال توسعه ایجاد کند.

ج) عدم تحمیل پیش شرط‌های سیاسی: همانگونه که شرح آن گذشت، تحمیل خواسته‌های سیاسی غرب از جمله عمده‌ترین مشکلات سرمایه‌گذاری در کشورهای آفریقایی محسوب می‌شود. از امر سبب گردیده تا سرمایه‌گذاری‌ها و مساعدت‌های مالی چین مزیت بسیار بزرگی برای جوامع در حال توسعه محسوب شود. بنابراین کشوری مثل جمهوری اسلامی نیز این امکان را دارد که بی آنکه پیش شرط‌های سیاسی را تحمیل کند، مشارکت‌های اقتصادی خویش را با آفریقا بسط داده و در نتیجه نظر کشورهای آفریقایی را جلب کند. (برزکار، ۱۳۹۲: ۴۲)

د) بکارگیری نیروی کار کشورهای آفریقایی و بالا بودن سهم نیروی کار از محل درآمد و انباشت سرمایه: با وجود اینکه ایران به منظور انجام سرمایه‌گذاری‌های خویش به صادرات خدمات فنی و مهندسی هم نیازمند است ولی می‌تواند نیروی کار

محلی را به مثابه‌ی کارگر ساده یا کارآموز خدمات فنی و مهندسی بکار ببندد. سهم نیروی کار مردم آفریقا از محل سرمایه‌گذاری‌های انجام گرفته توسط کشور ایران از چین و کشورهای غربی بیشتر می‌باشد، زیرا فناوری‌های بکار گرفته شده بوسیله ایران نسبت به فناوری‌های مورد استفاده توسط غرب، به سرمایه کمتری نیاز دارند و همچنین ایران نسبت به چین غالباً نیروی کار محلی را بکار می‌گیرد. (ولی‌اللهی میری، ۱۴۰۱: ۶۲)

ه) توسعه همکاری‌های جنوب - جنوب: با عنایت به شرایط حاکم بر اقتصاد جهانی، بررسی‌های بسیاری در رابطه با توسعه همکاری‌های جنوب انجام پذیرفته و حاکی از آنند که افزایش همکاری فی‌مابین جوامع در حال توسعه دربردارنده‌ی مزایای بیشتری نسبت به افزایش همکاری‌ها با جوامع توسعه یافته است. (رضوی‌پور، ۱۳۹۰: ۸۰)

به نظر نگارنده بدیهی می‌باشد که سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته توسط ایران در آفریقا می‌تواند برای این قاره نوعی توسعه‌ی همکاری بین جنوب - جنوب قلمداد شود و مزایای افزونتری بدنبال رشد همگرایی سیاسی اقتصادی فی‌مابین این کشورها، متوجه کشورهای آفریقایی و ایران نماید.

۵-۵-۱. راهکارهای تضامین

سرمایه‌گذاری ایران در آفریقا

سرمایه‌گذاری در آفریقا از نظر حقوقی به تضمیناتی احتیاج دارد. این تضمینات شامل:

۵-۵-۲. استانداردهای بین‌المللی

بر اساس حقوق بین‌المللی عرفی و قواعد راه یافته در موضوع سلب مالکیت، مشروعیت سلب مالکیت بستگی به چند شرط دارد؛ یکی اینکه باید سلب مالکیت در راستای منافع و مصالح عموم صورت پذیرد و نایستی به صورت ناعادلانه و تبعیض‌آمیز

باشد. در رویه قضایی جدید نیز این موضوع حائز اهمیت است. (امیرارجمند، ۱۳۸۵: ۲۵) همانگونه که بعضی از معاهدات هم به این مسئله صریحاً پرداخته شده است (باغبان، ۱۳۹۴: ۵۴). شرط بعدی اینست که در اعمال سلب مالکیت، پرداخت غرامت سریع، کافی و مؤثر می باشد که در حال حاضر این غرامت معادل ارزش بازاری سرمایه گذاری که از آن سلب مالکیت گردیده، برآورد شده است. شاید بتوان گفت که شرط مذکور چالش برانگیزترین مسئله در مباحث سرمایه گذاری خارجی است و آراء قضایی و داوری فراوانی از دهه ۱۹۶۰ تا بحال در رابطه با آن صادر گردیده است. (قنبری جهرمی، ۱۳۹۳: ۸۴)

بر اساس حقوق بین الملل، مصادره غیرقانونی و یا سلب مالکیت غیرقانونی مضاف بر دربرداشتن غرامت، همچنین مسئولیت دولت را در چارچوب اصول و قواعد کلی مسئولیت دولت مطرح می نماید. در صورت نامشروع بودن سلب مالکیت، اولین وظیفه ای که دولت خواهد داشت، برگرداندن اوضاع به حالت قبل بوده و فقط چنانچه به هر دلیلی امکان بازگرداندن اوضاع وجود نداشته باشد، مسئله ی غرامت پولی مطرح می گردد. عموماً کشور آفریقا که در پی جذب سرمایه گذاری خارجی و برخورداری از منافع آن می باشد، امتیازات و تسهیلات خاصی در این زمینه برای سرمایه گذاران خارجی در نظر می گیرد که موجب سودآوری هرچه بیشتر سرمایه گذاری در کشور خویش می گردد. این تسهیلات ممکن است کاهش عوارض گمرکی، تخفیفات و معافیت های مالیاتی و امثال آن را شامل شود.

۵-۳-۵. نقل و انتقال سرمایه

امکان نقل و انتقال اصل سرمایه و سود ناشی از آن به خارج از کشورهای آفریقایی از جمله امتیازات

ویژه ای محسوب می شود که در راستای جذب سرمایه گذاری خارجی توسط کشورهای میزبان برای سرمایه گذاران در نظر گرفته شده است. از این رو در غالب اسناد و مدارک مربوط به سرمایه گذاری خارجی، شامل عمومی، منطقه ای، دوجانبه و قوانین ملی کشورها، قوانین و ضوابطی راجع به امکان انتقال آزادانه اصل سرمایه ی وارد شده و سود ناشی از آن و همچنین درآمدها به خارج از کشور میزبان وجود دارد (فتوروس، ۱۳۷۷: ۱۰۱). حتی در برهه های زمانی که محدودیت های ارزی اعمال می گردد کشورهای میزبان نسبت به تضمین آزادی نقل و انتقال وجوه مربوط به سرمایه گذاران خارجی را متعهد می گردند. این حقیقت که کشورهای زیادی با وجود نیاز فراوانی که به ارز خارجی دارند لیکن از اینگونه کنترل ها اخیراً کاسته اند، نشان دهنده گرایش این دسته از کشورها به سرمایه گذاری های خارجی می باشد.

۵-۳-۵. ایجاد امنیت حقوقی برای سرمایه گذار خارجی

تأمین امنیت حقوقی سرمایه گذار خارجی از جمله عوامل بستر ساز جهت جذب سرمایه گذاری قلمداد می شود و این امنیت غالباً در خصوص سلب مالکیت مخدوش می گردد. دول مختلف با استناد بر «حق حاکمیت دائمی کشورها بر منابع طبیعی» به بهانه حفظ و صیانت از منافع ملی از طریق یکی از راه های سلب مالکیت از جمله ملی نمودن، ضبط و یا توقیف اموال اقدام به سلب مالکیت از سرمایه گذاران می نمایند. اصول و قواعد کلاسیک حقوق بین الملل مبتنی بر ضوابطی که مکرراً در قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد آمده و حاکی از اختیار و حاکمیت مطلق قوانین داخلی در ملی نمودن، تجدیدنظر، غرامت، ابطال و فسخ قراردادهای توسط دولت ها می باشد، اساساً

اختیار کشور میزبان نسبت به سلب مالکیت را به رسمیت شناخته‌اند. در حال حاضر در حقوق بین‌الملل با توجه به کنوانسیون‌های مذکور، اصل ملی‌سازی و مصادره منع نگردیده و در این زمینه هیچ اختلافی مطرح نمی‌باشد. (علی زاده، ۱۳۹۸: ۷۰)

حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در برابر سلب مالکیت و ملی گردیدن نیز از جمله سایر حمایت‌هایی به شمار می‌رود که در قانون تشویق پیش‌بینی گردیده است. ماده ۹ از قانون تشویق، همچون ماده ۱۳ از منشور انرژی، سلب مالکیت یا ملی شدن را بطور کلی منع ننموده و شرایط مشابهی را نسبت به قواعد معاهده منشور انرژی و دیگر اسناد بین‌المللی پیش‌بینی کرده است. در ماده‌ی مذکور شرایط سلب مالکیت بدین صورت تعیین گردیده که در نخست این مسئله بایستی در راستای منافع عمومی و بر اساس فرایند قانونی صورت گیرد. دوم، بصورت عادلانه و به دور از تبعیض اعمال گردد و سوم در ازای پرداخت غرامت صورت پذیرد. موضوع مورد اختلاف در این خصوص به عنوان معیار پرداخت غرامت در نظر گرفته می‌شود. کشورهای صادرکننده سرمایه به منظور تعیین معیار غرامت، جبران خسارت «فوری، کافی و مؤثر» را خواستارند ولی کشورهای جاذب سرمایه بر جبران خسارت عادلانه، مناسب یا منصفانه تأکید دارند. (رحمان‌سالاری و آزادبخت، ۱۴۰۱: ۲۹۱)

اصل چهارم از قطعنامه ۱۹۶۲ ملل متحد چنین مقرر می‌دارد: «ملی نمودن و ضبط اموال افراد، شرکت‌های خصوصی (داخلی یا خارجی) که بنابر تشخیص دولتها دارای منافع متناقض با منافع کشور هستند، بایستی در راستای تأمین خدمات عام‌المنفعه و امنیت ملی صورت پذیرد. در چنین مواردی دولتها می‌بایست به‌منظور جبران

خسارات، متناسب با ارزش اموالی که مصادره گردیده‌اند وجوهی به دارندگان آن پرداخت کنند. تعیین میزان و چگونگی پرداخت وجوه مذکور مبتنی بر مقررات فعلی کشور مربوط و قوانین بین‌المللی انجام خواهد شد. هر زمان که در خصوص موضوع جبران خسارت توافقی صورت نگیرد، مراجع قانونی دولت مصادره‌کننده به عنوان آخرین مرجع صالح جهت حل و فصل موضوع اقدام خواهد کرد. علی‌ایحال در نتیجه‌ی توافق دولتهای مربوطه و دیگر طرف‌های ذینفع، می‌توان این دعوی را به حکمیت یا داوری بین‌المللی سپرد.» ذیل بند دوم از منشور حقوق و تکالیف اقتصادی کشورها مصوب مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴ درمورد ملی نمودن و ضبط اموال سرمایه‌گذاران خارجی علاوه بر پذیرش آن به مثابه حق ناشی از حاکمیت بر منابع و ثروت‌ها برای کشور جاذب سرمایه، پرداخت غرامت مناسب به سرمایه‌گذاران را نیز به رسمیت شناخته است.

«مراجع قانونی دولت مصادره‌کننده» در بند اخیر اصل چهارم از قطع نامه سال ۱۹۶۲ ملل متحد به عنوان آخرین مرجع جهت حل و فصل اختلافات مربوط به خسارات حاصل از ملی نمودن یا مصادره اموال معرفی گردیده است. ذیل بند دوم از منشور حقوق و تکالیف اقتصادی کشورها مصوب ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴ چنین مقرر گردیده که اگر اختلافی بوجود آید، با مداخله محاکم محلی و با استناد جستن به قوانین داخلی آن کشور فیصله خواهد یافت (لوپز، ۲۰۱۰: ۵۲۳). آنجا که به عقیده بعضی از پژوهشگران ارجاع به اصول و قواعد حقوق بین‌الملل همانطور که در اعلامیه ۱۹۶۲ انعکاس یافته، دیگر منتفی بوده و حل و فصل اختلافات تنها از طریق مراجع قضایی داخلی صورت می‌گیرد

و تمسک جستن به سایر راه‌ها دارای ابعادی استثنایی است.

۵-۴. پوشش بیمه‌ای خطرات غیرتجاری سرمایه‌گذاری خارجی

یکی از راهکارهای مناسب برای تسریع روند جریان سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی، حمایت از مالکیت سرمایه‌گذار خارجی از طریق ارائه پوشش بیمه از سوی کشورها و نیز مؤسسات بین‌المللی است. بیمه سرمایه‌گذاری خارجی اولین بار در قانون همکاری اقتصادی ۱۹۴۸ آمریکا پیش‌بینی گردید. این قانون با هدف تضمین‌های سرمایه‌گذاری در خصوص بازسازی اروپای بعد از جنگ تصویب شده بود. قانون تضمین متقابل سال ۱۹۵۱ آمریکا، طرح بیمه سرمایه‌گذاری خارجی مندرج در قانون فوق‌الاشعار را به دیگر مناطق جغرافیایی تسری داد. (کیندلبرگر، ۱۹۶۹: ۱۲۴)

از جمله شیوه‌هایی که طی آن، کشورهای صادرکننده سرمایه در کاهش خطرات سیاسی (غیر تجاری) مربوط به سرمایه‌های خارجی مشارکت کرده‌اند، ارائه طرح‌های بیمه ملی نسبت به سرمایه‌هایی است که توسط اتباعشان در کشورهای خارجی سرمایه‌گذاری شده است (رحمان‌سالاری و آزادبخت، ۱۴۰۱: ۳۹۲). بنابراین، سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و نیز دیگر بخش‌های جهان، خطرات بزرگ با ماهیت غیرتجاری (مانند جنگ داخلی، تحریم اقتصادی، سلب مالکیت، نقض قرارداد به دلایل سیاسی و اعمال محدودیت ارزی) را در پی دارد.

۶. نتیجه

نتیجه حاصل از این پژوهش این است که سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای جهان سوم برای همه کشورها یک مزیت محسوب می‌شود.

قاره آفریقا به دلیل منابع غنی که دارد، نمی‌تواند محدودیت‌های ناشی از فقر اقتصادی که باعث ناکامی‌ها و محدودیت‌ها شده است را جبران کند. ایران به عنوان کی سرمایه‌گذار مناسب که برای کشورهای آفریقایی نیز سودمند تلقی شود، می‌تواند عرصه سرمایه‌گذاری چین را کاهش دهد. کشور ایران نیز علیه تحریم‌های موجود نیازمند سرمایه‌گذاری در قاره آفریقا برای برون رفت از مشکلات ناشی از تحریم می‌باشد. برای پاسخگویی به سؤال مطرح شده در این پژوهش می‌توان گفت که در راستای اجرای حقوق بین‌الملل، کشور ایران و قاره آفریقا تضمیناتی برای سرمایه‌گذاری نیاز دارند.

گسترش معاهدات دو یا چندجانبه سرمایه‌گذاری با کشورهای هم‌راستا به لحاظ سیاست‌گذاری با وجود چارچوبی درست و بررسی شده و همچنین اعمال معافیت مالیاتی درخصوص تولیدات شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی، گسترش و بهینه‌سازی مناطق آزاد جهت سرمایه‌گذاری، تخصیص معافیت‌های گمرکی در رابطه با واردات مایحتاج مورد نیاز شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی، تأمین خدمات عمومی ارزان قیمت از قبیل آب و برق، تخصیص پوشش‌های بیمه‌ای سرمایه‌گذاران، ضمانت بازگشت سود و اصل سرمایه و پیشگیری از مصادره و ملی شدن آنها می‌تواند منجر به ایجاد فضایی جهت ترغیب سرمایه‌گذاران ایرانی به منظور سرمایه‌گذاری در قاره آفریقا شود.

۷. سهم نویسندگان

نویسنده مسئول به تنهایی در تهیه و تدوین پژوهش نقش داشته است.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

پی‌نوشت:

[۱] وب سایت رسمی اداره سرمایه‌گذاری کنیا

[۲] Enhancing the competitiveness of Kenya's manufacturing sector: The role of investment climate, Africa Private Sector Group: Investment Climate Assessment, KIPPRA/World Bank, Kenya, 2004.

منابع

- انوشه، صبری، «نفت آفریقا در صحنه رقابت جهانی»، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۱۴، ۱۳۸۵.

- امیرارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد دوم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۵.

- باغبان، رحیم، حقوق تجارت بین‌الملل، مسئولیت شرکت‌های چندملیتی، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۹۴.

- بخشی، احمد، «سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (با تأکید بر آفریقا)»، تهران، مرکز مطالعات آفریقا، ۱۳۸۱.

- برزکار، سمیرا، نقش مسائل اقتصادی در شکل‌گیری تحولات سیاسی اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (مطالعه موردی تونس)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی، ۱۳۹۲.

- بابکی، روح‌اله، حاج‌امینی، مهدی، زارع، محمدحسن، عفتی، مهناز، «اثر درون‌زایی یا برون‌زایی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر سرمایه‌گذاری داخلی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، جلد ۹، شماره ۹۷، ۱۴۰۰.

- حیدرپور دعوی‌سرا، سلیمان، «مناسبات اقتصادی ایران و آفریقا: فرصت‌ها و تهدیدها»، پژوهشنامه آفریقا، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۸.

- حاجی‌مین، رحمت، وزین، علیرضا، «منطقه‌گرایی در آفریقا از منظر مکتب کپنهاگ»، دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، سال سوم، شماره پنجم، ۱۳۹۸.

- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۱۹ تیر ۱۴۰۲، ۸۰۱، کد خب ۸۵۱۶۴۹۵۷
www.irna.ir

- دانش‌نیا، محمد، منصوری، ستاره، «دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم انسانی»، ۱۳۹۵.

- رویدر، ریچارد دابلیو، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی معادن (مطالعه موردی استرالیا، آفریقای جنوبی و کلمبیا)، ترجمه هیبت‌الله نژدی‌منش محدثه قاسمی پاریزی، چاپ اول، نشر پرسمان، ۱۴۰۲.

- رضوی‌پور، سیدحسین، تحلیل آثار متقابل سرمایه‌گذاری خارجی ایران در آفریقا مطالعه موردی مزیت‌های سرمایه‌گذاری ایران در کنیا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.

- رحمان‌سالاری، عظیم، آزادبخت، فرید، «سازوکارهای حقوقی تضمین سرمایه‌گذاری خارجی در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، دوره دوم، شماره پنجم، ۱۴۰۱.

- رضایی، رامتین، «آیا سرمایه‌گذاری ایران در آفریقا منطقی است؟» نشریه فرهنگ دیپلماسی، پیاپی ۸، ۱۴۰۲.

عالی راه دانش بابل، گروه علوم اقتصادی، ۱۴۰۱.

- Ajayi S. Ibi, The Determinants of Foreign Direct Investment in Africa: A Survey of the Evidence, in S. Ibi Ajayi (ed.) Foreign Direct Investment in Sub-Saharan Africa, African Economic Research Consortium, Nairobi: Kenya, 2006.

- Chidaushe Moreblessing, China's Grand Re-entrance Into Africa: Mirage or Oasis, In Firuz Manji (Ed.) African Perspectives on China in Africa, Fahamu: Nairobi & Oxford, 2007.

- Enhancing the competitiveness of Kenya's manufacturing sector: The role of investment climate, Africa Private Sector Group: Investment Climate Assessment, KIPPRA/World Bank, Kenya, 2004.

- Helber, Henning, The New Scramble For Africa's Resources, in Patrick Burnett & Firoze Manji (Eds.) From the Slave Trade to Free Trade, Fahamu: Nairobi and Oxford, 2007.

- Kindleberger C. P., American Business Abroad: Six Lectures on Direct Investment, (New Haven, Conn.; Yale University Press, 1969.

- Luiz, John, Infrastructure investment and its performance in Africa over the course of the twentieth century, International Journal of Social Economics, Vol. 37 No. 7, 2010.

- Musila, Jacob W.; Sique, Simon P., Accelerating foreign direct investment flow to Africa: from policy statements to successful

- سیدنورانی محمدرضا، تجزیه و تحلیل اقتصادی تاثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد ایران، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴.

- شکیبا، رضا، «تأثیر زبان و فرهنگ فارسی بر زبان و فرهنگ سواحیلی آفریقایی»، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۱۰، ۱۳۸۳.

- علی‌زاده، ماربّه، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر سرمایه‌گذاری داخلی (با تاکید بر بخش نفت)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۸.

- عابدین مقانکی، محمدرضا، «تأثیر ایجاد منطقه تجارت آزاد قاره آفریقا بر صادرات ایران»، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۰۰، ۱۳۹۹. ۱-۲۹

- فتوروس، آ.آ، «چشم‌انداز انعقاد یک عهدنامه عمومی بین‌المللی درباره سرمایه‌گذاری خارجی»، ترجمه امیرمسعود میرفرخایی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی، ۲۳، ۱۳۷۷.

- قنبری جهرمی، محمدجعفر، حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.

- کناره، عمر، «آفریقا در پی یکپارچگی پول، زبان»، سیاست خارجی، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۱۵، ۱۳۸۶.

- مهاجر، داریوش، «تلاش آمریکا جهت تسلط بر نفت آفریقا»، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۱۰، ۱۳۸۳.

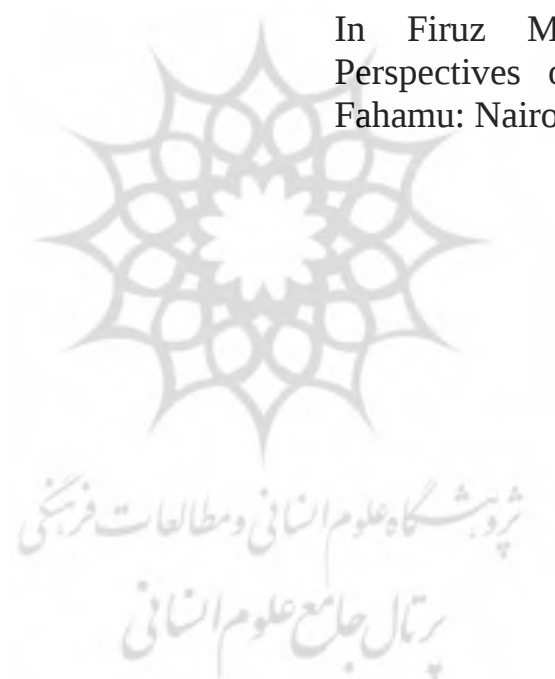
- ولی‌اللهی میری، فاطمه، تأثیر تامین اسلامی بر سرمایه‌گذاری در کشورهای منتخب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد موسسه

strategies, Managerial Finance, Vol. 32 No. 7, 2006.

- Ngugi Rose W., Nyang'oro Owen, Institutional Factors and Foreign Direct Investment Flows: Implications for Kenya, KIPPRA Discussion Paper No. 48, Kenya, 2005.

- Onjala Joseph, A Scoping Study on China Africa Economic Relations: The Case of Kenya, African Economic Research Consortium (AERC), Nairobi, Kenya, 2008.

- Rocha John, A New Frontier In The Exploitation of Africa's natural Resources: The Emergence of china, In Firuz Manji (Ed.) African Perspectives on China in Africa, Fahamu: Nairobi & Oxford, 2007.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی